

«آزادی در روح القدس» از نگاه مسیحیت پنطیکاستی؛ آموزه‌های اصیل یا ابزاری تبشیری؟

y.a.g@chmail.ir

کلیسا یاسر ابوزاده کتابی / دانشجوی دکتری ادیان و عرفان، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی *

محمدحسین طاهری آکردی / استادیار گروه ادیان، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی *

دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۲۵ - پذیرش: ۱۳۹۷/۰۴/۰۲

چکیده

مسیحیت پنطیکاستی فرقه‌ای پروتستانی است که در ابتدای قرن بیستم و بر پایه روح القدس محوری به وجود آمده است. پنطیکاستی‌ها معتقدند که همه اقشار جامعه توانایی دریافت روح القدس را دارند. از این رو، از نگاه پنطیکاستی‌ها، آزادی در روح القدس آموزه‌ای است که به انعطاف بالای این جنبش در اتخاذ استراتژی‌های تبشیری و عبادی، دریافت عطایا و اموری از این دست منجر شده است؛ لیکن نگاه گزینشی پنطیکاستی‌ها به این آموزه و ابداعات آنها در این آموزه، به‌همراه نقد جدی کتاب مقدس بر اصل روح القدس محوری، از جمله اشکالاتی است که بر این آموزه وارد شده است. از این رو این پژوهش درصدد است تا با بررسی و تحلیل علمی این آموزه، تحقیقی مسوط در این باره ارائه دهد.

کلیدواژه‌ها: آزادی در روح القدس، کلیسای پنطیکاستی، تبشیر، کتاب مقدس.

جنبش پنطیکاستی که از دل مسیحیت پروتستان و در ابتدای قرن بیستم در کشور آمریکا به وجود آمد (لیاردن، ۲۰۰۶، ص ۱۱)، توانسته است در کمتر از ۱۲۰ سال به‌عنوان پرطرفدارترین فرقه مسیحی، پس از مسیحیت کاتولیک، سریع‌ترین رشد را در اقصی نقاط عالم به خود اختصاص دهد (هکت، ۲۰۱۲، ص ۹). پیروان این جنبش معتقدند که این حرکت شورانگیز در مسیحیت، تداوم راهی است که دو هزار سال قبل در روز پنطیکاست اتفاق افتاد و حواریون توانستند عطایایی را به واسطه قدرت روح‌القدس دریافت کنند. چارلز فاکس پرهام بنیان‌گذار جنبش پنطیکاستی، به امید دریافت روح‌القدس و عطایای روح‌القدس، مدرسه‌ای را در ایالت کالیفرنیا بنیان نهاد. مدتی از شروع این مدرسه نگذشته بود که در ۳۱ دسامبر سال ۱۹۰۱م یکی از شاگردان پرهام به نام اگنس آزمن (Agnes Ozman) توانست عطیه تکلم به زبان‌ها را دریافت کند. او شروع به تکلم به زبان چینی نمود و تا سه روز قادر به تکلم به زبان انگلیسی نبود (اندرسون، ۲۰۰۵؛ بلیک، ۲۰۱۴). پرهام این رویداد را به آخرین بیرون‌ریزی روح‌القدس پیش از آمدن مجدد مسیح در ابتدای قرن تفسیر کرد و از آن با عنوان تکمیل پیشگویی‌های کتاب مقدس یاد می‌کرد (ر.ک: یوئیل ۲: ۲۳). پرهام و رهبران بعدی جنبش معتقد بودند که اگر کسی خالصانه و با ایمان کامل در پی پر شدن از روح‌القدس و دریافت عطایای روحانی باشد، حتماً این عطیه به او اعطا خواهد شد. از این‌رو شور و شوق زیادی در میان ایمان‌داران اولیه پنطیکاستی به وجود آمد تا این خبر خوش را به گوش همه جهانیان برسانند. از این‌رو به تبشیر روح‌القدسی روی آوردند. روزوول فلورور (Roswell Flower) یکی از رهبران پنطیکاستی آمریکای شمالی در سال ۱۹۰۸م، می‌نویسد: «هنگامی که روح‌القدس به قلب‌هایمان وارد می‌شود، روح تبشیر نیز همراه آن می‌آید، آنها جدایی‌ناپذیرند... از این‌رو رساندن پیام به قلب‌های گرسنه در این سرزمین و دیگر سرزمین‌ها نتیجه طبیعی آن است» (واکر، ۲۰۱۰، ص ۲۲؛ اندرسون، ۲۰۰۴، ص ۲۳۴؛ همو، ۲۰۰۵b). از این‌رو می‌توان پنطیکاستی‌ها را روح‌القدس محور و تبشیر محور قلمداد کرد.

با توجه به اینکه پنطیکاستی‌ها روح‌القدس محورند و معتقدند که هر کسی توانایی دریافت روح‌القدس را داراست - که از آن با عنوان آموزه آزادی در روح‌القدس یاد می‌کنند - و با توجه به اینکه تاکنون هیچ‌گونه تحقیق علمی مدونی درباره این آموزه صورت نگرفته است، و همچنین با عنایت به اینکه جنبش پنطیکاستی امروزه با تأکید بر این آموزه، از پرطرفدارترین فرقه‌های مسیحی در سراسر عالم قلمداد می‌شود، بررسی تحلیلی این آموزه از میان مکتوبات پنطیکاستی و نقد آن بر مبنای آیات کتاب مقدس و حقایقی که در پس اقدامات تبشیری پنطیکاستی‌ها وجود دارد، از مهم‌ترین اهداف این پژوهش است. در نتیجه، این تحقیق به دنبال این است تا به سؤالات زیر پاسخ دهد:

۱. آموزه آزادی در روح‌القدس به چه معناست و به چه زمینه‌هایی قابل تسری است؟
۲. آیا پنطیکاستی‌ها از این آموزه به صورت گزینشی استفاده کرده‌اند یا به صورتی عام؟
۳. چه نقدهایی بر این آموزه وارد است و نظر کتاب مقدس در این باره چیست؟

۱. آزادی در روح

مهم‌ترین عاملی که پنطیکاستی‌ها در تبشیرشان از آن بهره‌های وافری می‌برند، به مسئله «آزادی در روح» یا «آزادی در روح القدس» معروف است. مقصود از آزادی در روح این است که هر کسی از هر فرهنگ و نژادی با هر میزان توانایی علمی، از هر طبقه‌ای و از هرگونه طیف سنی، توانایی دریافت روح القدس را دارد (اندرسون، ۲۰۰۰) و این امر منجر به انعطاف‌پذیری بالای جنبش در همهٔ زمینه‌ها و رشد و گسترش سریع آن شده است که در ذیل به آنها اشاره می‌شود.

۱.۱. تعامل راحت‌تر با جوامع جهان سومی و اقلیت‌های کشورهای غربی

تأکید پنطیکاستی‌ها بر آزادی در روح، این جنبش را ذاتاً در فرهنگ‌ها و مباحث اجتماعی مختلف، قابل انعطاف نشان داده است. این نکته باعث شده تا تعامل میان مردمی که در کشورهای جهان سوم زندگی می‌کنند و اقلیت‌هایی که در کشورهای غربی در حاشیه زندگی می‌کنند، بسیار ساده‌تر باشد. در آفریقا این مسئله به ازدیاد جنبش‌های مسیحی بومی - که می‌توان آنها را اصطلاحاً پنطیکاستی قلمداد کرد - منجر شد. جان اسپلودا، مسیحی پنطیکاستی، می‌نویسد که علت پویایی و رشد جنبش پنطیکاستی در کشورش را می‌توان در توانایی این جنبش در ترجمهٔ پیام پروتستانی به اشکالی از عباراتی که در فرهنگ محلی عموم مردم آن منطقه وجود دارد، تفسیر کرد. هاروی کاکس می‌گوید: نیروی زیاد آنچه که او تپش پنطیکاستی می‌نامد، در قدرت پنطیکاست بر ترکیب کردن، ظرفیت زبانی آن، موسیقی، فرهنگ بومی و... دانست و اینها چیزهایی هستند که باعث شده‌اند جنبش پنطیکاستی، جنبشی زنده قلمداد شود. این روش کاملاً با شاخصه‌های تبشیری که قبلاً و در ابتدای قرن بیستم رایج بود، تفاوت دارد. بسیاری از کلیساهای قدیمی تبشیری در غرب به وجود آمدند که آداب عبادی، الهیات، و مبلغان حرفه‌ای و آموزش دیده داشتند و به صورت دقیق تحت اشراف سازمان‌های کلیسایی و رهبری قدرتمند بودند؛ لیکن در جهان سوم این کلیساها را با عنوان کلیساهای خارجی می‌شناختند، چراکه در این گونه کلیساها، مردم ابتدائاً قبل از آن که مسیحی شوند، می‌بایست غربی می‌شدند. در مقابل، پنطیکاستی‌ها تأکید می‌کنند بر اینکه هر کسی توانایی دریافت روح القدس را داراست. از این رو پس از آنکه بومیان، تحت رهبری کلیساها آموزش‌های لازم را سپری می‌کردند، پنطیکاستی‌ها این مسئولیت را به آنها سپردند و از آن منطقه خارج می‌شدند، و سهم مسیونرها در اعضای کلیسا معمولاً کمتر از آنی بود که در تبشیرهای قبلی بود (برگس، ۲۰۰۶، ص ۱۲-۱۳؛ اندرسون، ۲۰۰۰).

۱.۲. قابل انعطاف بودن در انتخاب ساختارها و استراتژی‌های تبشیری

پنطیکاستی‌ها در سیاست‌های تبشیری‌شان تمام تغییرات ممکن را که به پویایی و رشد جنبش کمک کند، با آغوش باز می‌پذیرند. از این رو پنطیکاستی‌ها نکات مثبت کلیساهای اسقفی، پرسپیترین، ایونجلیست و حتی

سیاست‌هایی را که کلیساهای خودمختار بر آن تأکید می‌کنند، پذیرفته و در برنامه‌های تیشیری خود گنجانده‌اند (کارکاینن، ۲۰۰۴).

۱.۳. آزادی در نحوهٔ پرستش و انجام عبادات

این نکته سبب شده است تا تمام اعضای شرکت‌کننده در گردهمایی‌های پنطیکاستی‌ها - چه در جلسات رسمی کلیسا، چه در برنامه‌های کلیساهای خانگی و چه در نشست‌های فرقه‌ای - مشارکت فعالی در نحوهٔ انجام عبادات داشته باشند (اندرسون، ۲۰۰۴). به‌علاوه از دیگر امتیازات این نحوه انجام عبادت این است که هر کسی در هر لحظه و در هر مکانی می‌تواند با روح‌القدس ارتباط برقرار کند - برای مثال فضای نامقدسی مثل خانه را به مکان مقدسی چون کلیسا تبدیل سازد - و به عبادت بپردازد. مناجات خودبه‌خودی، دست زدن، رقصیدن، سر تکان دادن، بلند کردن دست‌ها، دراز کردن دست‌ها و خوابیدن روی زمین و ذکر هلولویاه را زمزمه کردن، از مصادیق عبادت پنطیکاستی است (پارسیتاو، ۲۰۱۰).

۱.۴. آزادی در امر کشیشی و میسیونری

هر کس وقت کافی و استعداد کشیش شدن و یا میسیونر شدن را داشته باشد، می‌تواند پس از گذراندن دوره‌های آموزشی، به‌عنوان میسیونر یا کشیش به خدمت بپردازد؛ چراکه روح‌القدس این ظرفیت را به همهٔ افراد اعطا کرده است و حتی افراد بزهکار نیز می‌توانند پس از توبه و کسب شرایط لازم، به این مقام نایل آیند (برگس، ۲۰۰۶، ص ۲۱۲؛ ما، ۲۰۰۷).

۱.۵. آزادی در تولید ادبیات متنی، اشعار و متون الهیات

آزادی در روح‌القدس سبب شده است تا پنطیکاستی‌ها از هر منطقه و ناحیه‌ای که هستند، متناسب با فضای فرهنگی همان منطقه، متون الهیاتی و ادبیاتی خود را تنظیم کنند (برگس، ۲۰۰۶، ص ۱۴). به‌علاوه با توجه به نیروی جوانی که وارد فضای کلیساها می‌شود، ضروری است متناسب با روحیات آنان از اشعار و سبک‌های موسیقی جوان‌پسند استفاده شود. از این‌رو پنطیکاستی‌ها با سرودن و خواندن اشعار، با سبک‌هایی همانند رپ و هیپ‌هپ، بر شور و شوق جوانان می‌افزایند و انگیزه‌های آنها را برای ماندن در جنبش تقویت می‌کنند (پارسیتاو، ۲۰۱۰).

۱.۶. آزادی در دریافت عطایای روحانی

هر کسی که به روح‌القدس و قدرت شگفت‌انگیز او در اعطای عطایا ایمان بیاورد، حتماً از روح‌القدس پر خواهد شد. از این‌رو دریافت عطیة شفا، تکلم به زبان‌ها و معجزات، برای هر کسی امکان‌پذیر خواهد بود (دریک ماشاوا، ۲۰۱۳).

۱.۷. برداشته شدن فاصله‌ها و ایجاد برابری

به‌واسطه خون مسیح، رنگ پوست در خون شسته شد؛ چراکه با این عمل، همه نژادها با هم برابر شدند و می‌توانند در کنار یکدیگر در کلیسا حاضر شده، از روح‌القدس پر شوند. از این‌رو، دیگر اشکالی ندارد که یک زن جوان سیاه‌پوست مرد سفیدپوستی را در آغوش گیرد و با هم به دعا پردازند (برگس، ۲۰۰۶، ص ۲۱۳).

این امور در میان تمام فرقه‌های پنطیکاستی و کاریزماتیک وجود دارد، و همه پذیرفته‌اند که آزادی در روح به‌عنوان مشخصه ممتاز این جنبش، کرانه‌های جدید را به سوی آنان گشوده و سبب جذب افراد بی‌شماری از دیگر فرقه‌های مسیحی و سایر ادیان الهی و غیر الهی به جنبش شده است.

۲. تحلیل و بررسی آموزه آزادی در روح

در این قسمت، صحت و سقم این آموزه از پنج منظر، مورد بررسی و ارزیابی تفصیلی قرار می‌گیرد که به شرح ذیل بیان می‌شود:

۲.۱. قابل انعطاف بودن در استراتژی‌های تبشیری؟

یکی از نکاتی که پنطیکاستی‌ها در استراتژی‌های تبشیری خود بر آن تأکید می‌کنند، انعطاف بالای این جنبش در تطبیق با شرایط جوامع هدف است؛ اما آیا این نکته صحیح است؟ آیا تطبیق‌پذیری، رویه دائمی پنطیکاستی‌ها در مقابل پیروان سایر ادیان یا حتی سایر نحله‌های مسیحی بوده است؟ بررسی عملکرد پنطیکاستی‌ها در قبال سایر مسیحیان و ادیانی همچون اسلام، به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهد.

۲.۱.۱. عملکرد پنطیکاستی‌ها در قبال مسیحیان

در سال‌های اولیه جنبش پنطیکاستی و هم‌زمان با شروع فعالیت‌های تبشیری در اوایل دهه ۱۹۰۰م، بسیاری از پنطیکاستی‌ها، با هدف تبلیغ ایمان پنطیکاستی، به سراغ کاتولیک‌هایی رفتند که به‌ظاهر مسیحی و تعمید یافته بودند، لیکن در هیچ یک از فعالیت‌های کلیسایی مشارکت نمی‌کردند. این اقدام پنطیکاستی‌ها، از منظر رهبران کاتولیکی عملی غیرمنصفانه قلمداد شد و موجب اعتراض آنها گردید. برای مثال، پاپ ژان پل دوم در چهارمین کنفرانس عمومی شبان‌ها، که در سال ۱۹۹۲م و در آمریکای لاتین برگزار شد، پنطیکاستی‌ها را تلویحاً فرقه‌ای معرفی کرد که همانند گرگ‌های درنده‌خو، کاتولیک‌های آمریکای لاتین را می‌بلعد (راسچ، ۲۰۱۱، ص ۹۳۸). به‌علاوه بیشتر پنطیکاستی‌ها بر اساس آنچه که در کتاب مکاشفه آمده و از رومیان بدگویی شده، معتقدند که کاتولیک‌ها مرتدند؛ از این‌رو آنها را متهم به توحید (و نه تثلیث) کرده، حتی در برخی موارد آنها را بت‌پرست معرفی می‌کنند. آنها معتقدند که واتیکان تعلیمی غیر کتاب مقدسی و خرافه ارائه می‌کند. تعابیر زنده‌ای همانند فاحشه، زناکار و فاحشه‌خانه بودن واتیکان، از دیگر اتهاماتی است که برخی پنطیکاستی‌ها به کاتولیک‌ها روا می‌داشته و می‌دارند (همان، ص ۹۳۷).

پنطیکاستی‌ها در قبال سایر فرقه‌های مسیحی نیز عملکردی مشابه داشتند. از این‌رو با ضعیف نشان دادن و حمله به الهیات و مناسک آنها، مؤمنان آنها را به سوی خود جذب می‌کردند. همین امر موجب می‌شد تا آن کلیساهای جنبش پنطیکاستی را فرقه‌ای انحرافی قلمداد کنند که درصدد به بیراهه کشاندن پیروانشان هستند (برگس، ۲۰۰۶، ص ۳۲۰-۳۳۰).

۲.۱.۲. عملکرد پنطیکاستی‌ها در دنیای اسلام

با توجه به اینکه اطلاعات پنطیکاستی‌ها دربارهٔ مسلمانان، جامعهٔ اسلامی و آگاهی از فرهنگ و تعصبات آنها، در پنجاه سال ابتدایی ورود به دنیای اسلام چندان زیاد نبود، فعالیت‌های تبشیری‌شان با استقبالی از جانب مسلمانان مواجه نشد؛ لیکن با تغییر و ترمیم رویه‌های تبشیری در دهه‌های ۱۹۸۰م و ۱۹۹۰م بر شدت فعالیت‌های تبشیری خود افزودند. بدین منظور، از رویکرد حمله به اسلام، به مظلوم‌نمایی روی آوردند.

پنطیکاستی‌ها مسلمانان را بخشی از امپراتوری شیطان معرفی می‌کنند: «ما هنوز درهای دژ اسلام را ضربه می‌زنیم... قصد مقدس ما این است که مأموریت بزرگی که پادشاه ما - مسیح - به گردن ما انداخته، انجام دهیم؛ به اینکه به دژ شیطان حمله کنیم». از نگاه بونکه (Bonke) برای غلبه بر مسلمانان باید تمام مساجد آفریقا را در کوتاه‌ترین زمان ممکن از بین برد و حذف کرد. این حذف از طریق مسیحی‌سازی قابل دستیابی است، که سرانجام به نابودی فرهنگی آنها منجر می‌شود (گینفورد، ۱۹۹۲، ص ۱۷۱).

پنطیکاستی‌ها بر این باورند که رشد سریع کلیسا در مناطق اسلامی، بدون وجود تعقیب، آزار و محدودیت آزادی مذهبی میسر نخواهد بود. از این‌رو، از این نکته می‌توان به عنوان حربه‌ای برای جذب بیشتر مسلمانان استفاده کرد. برای مثال، در کشور نیجریه (پرجمعیت‌ترین کشور آفریقا) از سال ۱۹۹۱م، صدها کلیسا به‌وسیلهٔ نظامیان مسلمان نابود شده است و هزاران شبان و مؤمن کشته و سوزانده و حتی برخی نیز از کشور اخراج شده‌اند. استفاده از این حربه و مظلوم نشان دادن میسیونرهای پنطیکاستی، باعث رشد کلیساهای پنطیکاستی در نیجریه بوده است؛ به‌گونه‌ای که فعالیت میسیونرها در میان ۴۶ میلیون مسلمان نیجریه‌ای، به مسیحی شدن بیشتر آنها منجر شد (برگس، ۲۰۰۶، ص ۲۶۷).

با توجه به نکات فوق نمی‌توان رویکرد تطبیق‌پذیری پنطیکاستی‌ها با شرایط جوامع هدف را رویکرد عامی دانست؛ چراکه استفاده از رویکردهای خصمانه، ناجوانمردانه، تهاجمی و مظلوم‌نمایانه در اولویت فعالیت‌های تبشیری پنطیکاستی‌ها در میان جوامعی است که توان نفوذ در میان دیندارانش را ندارند.

۲.۲. تحلیلی بر آموزه‌های عبادی پنطیکاستی‌ها

پنطیکاستی‌ها معتقدند در جلسات عبادی برای آنکه صمیمانه وجود خدا را احساس کند و از عبادت لذت ببرند، باید برخلاف سایر فرقه‌های مسیحی، جلسات خود را با شور و هیجان خاصی برگزار کنند. از این‌رو استفاده از انواع

موسیقی‌های تند و شاد، انواع رقص‌ها، آوازخواندن و تحرک و پویایی بالا را شاخصه ممتاز جلسات عبادی خود عنوان می‌کنند. آنها معتقدند که این سبک از عبادت سبب می‌شود تا روح‌القدس به صورت ناگهانی و به یک‌باره بر فرد حلول کند؛ او را به حرکت وادارند و قدرت شفابخشی عطا نمایند و در نتیجه، فرد سرشار از احساسات می‌شود و خدا را در اعماق وجودش می‌یابد (الکساندر، ۲۰۰۹، ص ۴۱؛ لیاردن، ۲۰۰۶، ص ۱۶)؛ اما آیا این شیوه عبادی پنطیکاستی‌ها با کتاب مقدس نیز سازگار است؟ آیا تبعات بدی برای فرد ندارد؟ پاسخ به سوالاتی از این دست، در این بخش مورد نظر است.

۲.۲.۱. هرج و مرج و بی‌نظمی جلسات

در اول قرن‌تین آمده است: «خدا هرج و مرج را دوست ندارد؛ بلکه هماهنگی و نظم و ترتیب را؛ همان‌گونه که در تمام کلیساها مشاهده می‌شود» (۳۳:۱۴) و «هرکاری به‌جای خود نیکوست و باید با نظم و ترتیب انجام شود» (۴۰:۱۴).

در این فقرات از کتاب مقدس به‌صراحت ذکر شده است که خداوند هرج و مرج را دوست ندارد؛ زیرا خداوند خالق نظم است، نه خالق بی‌نظمی و هرج و مرج.

از سوی دیگر، مراسم عبادی باید به‌گونه‌ای برگزار شود که به افزایش ایمان منتهی شده و کمال‌آور باشد. همان‌گونه که در اول قرن‌تین ۱۴: ۲۶ بر این نکته تأکید شده است:

پس ایمان‌داران عزیز! مقصود خود را به‌طور خلاصه بیان می‌کنم. وقتی برای عبادت در کلیسا جمع می‌شوید، یکی از شما سرود بخواند؛ دیگری کلام خدا را تعلیم دهد؛ یکی دیگر حقیقتی را که از جانب خدا بر او آشکار شده بیان نماید؛ یک نفر نیز به زبان‌های غیر سخن بگوید و دیگری آن را ترجمه کند؛ اما هرچه انجام می‌شود، باید برای همه ایمان‌داران مفید باشد و باعث تقویت و رشد روحانی ایشان گردد.

این در حالی که در جلساتی که هرج و مرج موج می‌زند، امکان استفاده برای تقویت ایمان کاهش پیدا می‌کند و آنچه مراد کتاب مقدس است محقق نمی‌شود.

دیگر اینکه اعمالی که در جلسات عبادی انجام می‌گیرد، باید موجب جلال خدا شود؛ چنان‌که در اول قرن‌تین ۱۰: ۳۱ اشاره شده است: «جواب سؤال شما این است: کارهای شما، حتی خوردن و نوشیدن، همه باید برای جلال و بزرگی خدا باشد».

آیا آنچه که در جلسات پنطیکاستی‌ها اتفاق می‌افتد، موجب جلال خدا می‌شود؟ برای مثال، در این جلسات برخی از زن‌ها برای آنکه دعایشان برآورده شود، با صورت روی زمین دراز کشیده و تقلاکنان کارهایی انجام می‌دهند. این کار سبب می‌شود که پوشش بدنشان کنار رود؛ از این‌رو برای اینکه بدنشان دیده نشود، کت یا چیزی شبیه به آن روی آنها می‌اندازند (اچ پل، ۲۰۰۱، ص ۵۸). آیا این نکته با آیات مقدس منافات ندارد؟ آیا هیچ‌گونه بیان

واضحی در رساله‌ها وجود دارد که از این‌گونه اعمال حمایت کرده باشد؟ آیا هیچ‌گونه رویداد ضبط شده‌ای که در کتاب اعمال رسولان آمده باشد و مؤید این‌گونه اقدامات باشد، وجود دارد؟ (همان، ص ۵۹).

پنطیکاستی‌ها در این باره به اعمال رسولان ۹: ۴ - عملی که پولس در مسیر دمشق انجام داد - استناد می‌کنند: «به‌طوری که بر زمین افتاد و صدایی شنید که به او می‌گفت: پولس! پولس! چرا این قدر مرا رنج می‌دهی؟»؛ لیکن در جواب باید گفت که پولس یا شائول در آن زمان مؤمن نبود؛ بلکه کسی بود که مؤمنان را آزار می‌داد. برخی نیز به یوحنا ۱۸: ۶ استناد می‌کنند: «به محض اینکه گفت من خودم هستم، همه عقب‌عقب رفتند و بر زمین افتادند»؛ ولی در اینجا نیز آنهایی که روی زمین افتادند؛ از کسانی نبودند که بخواهند تقدیس شوند یا شفا یابند؛ بلکه از دشمنانی بودند که آمده بودند تا او را بازداشت کنند و از مؤمنان نبودند. از این رو، بی‌نظمی‌هایی که در جلسات پنطیکاستی‌ها وجود دارد، نه با آنچه در کتاب مقدس آمده همخوانی دارد و نه کمال‌آور محسوب می‌شوند، و نه باعث نجابت و نظم می‌گردد و نه موجب جلال خدا می‌شود.

۲.۲.۲. موسیقی‌های تند

پنطیکاستی‌ها معتقدند که استفاده از موسیقی سبب می‌شود تا میل به تدین بیشتر شده، علاقه به زندگی توأم با معنویت در مردم بیدار شود (برگس، ۲۰۰۶، ص ۳۱۶)؛ از این رو، یکی از برنامه‌های ثابت جلسات عبادی پنطیکاستی، اجرای زنده موسیقی و رقصیدن به همراه آن است؛ لیکن همان‌گونه که در بحث قبلی گذشت، بی‌نظمی و هرج و مرج در حال عبادت، مطلوب کتاب مقدس نیست؛ به‌علاوه استفاده از موسیقی‌های جدید تبعاتی نیز دارد که در ذیل به آنها اشاره می‌شود.

پنطیکاستی‌ها برای آنکه جلسات عبادی‌شان جذاب‌تر به نظر آید، سعی می‌کنند تا از فضاسازی‌های متداولی که در کنسرت‌های موسیقی استفاده می‌شود، کپی‌برداری کنند. از این رو، به هنگام اجرای زنده موسیقی، فضا را تاریک و نورافکن‌ها را روشن می‌کنند و خوانندگانی که لباس‌های شهوت‌انگیز پوشیده‌اند، شروع به خواندن می‌نمایند (دبلیو کلود، ۲۰۱۲ a، ص ۱۴۷). تنها فرق این جلسات با کنسرت‌های خارج از کلیسا این است که در این جلسات در لابه‌لای اشعاری که خوانده می‌شود، کلماتی نیز نسبت به خدا و مسیح گفته می‌شود؛ برای مثال، ذکر هلولیاه تکرار می‌شود (دبلیو کلود، ۲۰۱۴، ص ۱۸). در چنین فضایی، تعجب‌آور نیست که مسائل فسادبرانگیز و شهوانی رخنه کند؛ به‌گونه‌ای که امروزه غالب مراسم‌های عبادی پنطیکاستی‌ها دچار فساد اخلاقی می‌گردد و در فضایی احساسی و شهوانی برگزار می‌شود. این نکته نباید تعجب‌آور باشد؛ زیرا موسیقی‌های امروزی، به‌ویژه راک، پاپ و هیپ‌هپ، غالباً با مسائل جنسی همراه شده است؛ زیرا خود موسیقی و سبک آن شهوانی است و حرکات شهوانی نوازندگان و خوانندگان موسیقی راک امر مرسوم است (دبلیو کلود، ۲۰۱۴، ص ۲۵-۲۶؛ همو، ۲۰۱۵، ص ۱۹۹؛ همو، ۲۰۱۶، ص ۵؛

همو، ۲۰۱۱، ص ۲۸). از این رو، امروزه برخی افراد بدکاره یا طلاق گرفته، به عنوان هنرمند در مراسمات عبادی مشغول به فعالیت‌اند.

در چنین فضای احساسی و شهوانی، دور از انتظار نیست که زنان طلایه‌داران جلسات عبادی باشند و مردان یا حتی شماس‌ها و کشیش‌ها، برای آنکه از جلسه لذت بیشتری ببرند، مشروبات الکلی یا مواد مخدر استعمال کنند یا به زنان القا کنند که داشتن روابط جنسی با کشیش یا شبان، به منزله دریافت روح القدس است و به سادگی تن به فحشا دهند؛ به گونه‌ای که امروزه برخی از این گونه شماسان و کشیشان، به دلیل داشتن روابط نامشروع در زندان هستند (همو، ۲۰۱۶، ص ۱۵).

۲.۲.۳. به کارگیری روش‌های غلط و دست‌ساخته

یکی دیگر از نکاتی که در جلسات پنطیکاستی جلب توجه می‌کند، استفاده از روش‌های دست‌ساخته در انجام امور عبادی است. برای مثال، شبان کلیسا، برای آنکه افراد تکلم به زبان‌ها داشته باشند، از کسانی که در جلسه نشسته‌اند، می‌خواهد تا سرهایشان را به عقب ببرند و دهان‌هایشان را باز کنند و سپس صدایی از خود درآورند؛ سپس شبان پشت سر آنها می‌رود و در حال گفتن اصوات (همانند آه ه ه ه ه) سر آنها را تکان می‌دهد تا صدایشان به لرزه افتد؛ سپس آنها را تشویق می‌کند تا با صدای بلندتری بخوانند و از آنان می‌خواهد تا این کار را ادامه دهند. در واقع آنها را آموزش می‌دهد. درحالی که تکلم به زبان‌ها، بر فرض که بپذیریم امروزه صورت می‌پذیرد، عطیه‌ای الهی است و این خداست که این عطیه را به واسطه روح القدس به فرد عطا می‌کند، نه اینکه بتوان آن را از طریق آموزش آموخت (اچ پل، ۲۰۰۱، ص ۶۲).

در عبادات پنطیکاستی، بر تحریک کردن احساسات و به جنب و جوش واداشتن افراد تأکید می‌شود؛ در حالی که این امور پشتوانه کتاب مقدسی ندارند. از این رو، تجربه‌محور بودن بیش از حد پنطیکاستی‌ها، این انتقاد را بر آنان وارد کرده است که به سمت اومانیزم گرایش یافته‌اند: گرایش به ایمان انسان‌محور، نه ایمان خدامحور (کریس، ۲۰۱۶). با توجه به نکاتی که گفته شد، آزادی در نحوه پرستش و عبادت - همان‌گونه که در جلسات پنطیکاستی‌ها مشاهده می‌شود - علاوه بر آنکه با کتاب مقدس منافات دارد، می‌تواند به انحرافات اخلاقی، ابداع قوانین عبادی و در نهایت گرایش به ایمان انسان‌محور منجر شود.

۲.۳. بررسی جامعه هدف پنطیکاستی‌ها در تبشیر

با توجه به اینکه طیف‌های گسترده‌ای از جامعه، مخاطب میسیونرهای پنطیکاستی بوده‌اند، با تقسیم آنها به شش گروه، به بررسی آنها خواهیم پرداخت.

۲.۳.۱. از لحاظ جنسیت و طیف سنی

از لحاظ جنسیت، هم مردان و هم زنان، جزء مخاطبان میسیونرها بوده‌اند؛ زیرا بر اساس آنچه که در کتاب اعمال رسولان ۲: ۱۷-۱۸ آمده است، پنطیکاستی‌ها معتقدند: همه اعضای کلیسا، اعم از زن و مرد، پیر و جوان، بنده و مولا، می‌توانند در دریافت روح‌القدس سهیم باشند:

که خدا می‌گوید در ایام آخر، چنین خواهد بود که از روح خود بر تمام بشر خواهیم ریخت و پسران و دختران شما نبوت کنند و جوانان شما رؤیایا و پیران شما خواب‌ها خواهند دید؛ و بر غلامان و کنیزان خود در آن ایام، از روح خود خواهیم ریخت و ایشان نبوت خواهند نمود (اعمال رسولان ۲: ۱۷-۱۸).

در این میان، مردان پس از مسیحی شدن، یا به‌عنوان یکی از اعضای عادی جامعه پنطیکاستی، به فعالیت‌های روزمره خود ادامه می‌دهند و همانند سایر مسیحیان، آخر هر هفته یا در مناسب‌های خاص، به کلیسا می‌روند و در جلسات دعا و نیایش کلیسایی شرکت می‌کنند؛ یا به‌عنوان یک میسیونر به تبلیغ ایمان پنطیکاستی در کشور خود یا در سایر کشورها می‌پردازند؛ یا پس از گذراندن دوره‌های آموزشی، منصب شبانی یا رهبری یک کلیسا را بر عهده می‌گیرند؛ اما وضعیت زنان در جامعه پنطیکاستی کمی با فراز و نشیب همراه بوده است. گرچه در آغاز جنبش پنطیکاستی زنان نقش برجسته‌ای داشتند، همانند *آگنس آرمین* به‌عنوان اولین کسی که تعمید توسط روح‌القدس را دریافت کرد و پس از آن شروع به تکلم به زبان‌ها نمود، لیکن در مسئله رهبری زنان کمی با اغماض رفتار می‌شد؛ بدین‌صورت که هرگاه ضرورت داشت که زنان رهبری کلیسایی را بر عهده داشته باشند، از آنها کمک می‌خواستند و پس از برطرف شدن مشکل، به منظور حفظ قدرت مردان، آنها را محصور کرده، از رهبری آنان انتقاد می‌کردند (برگس، ۲۰۰۲، ص ۱۲۰۳)؛ در نتیجه زنان در فرودست می‌مانند و از رهبران مرد تبعیت می‌کردند. البته امروزه این مسئله کمی تغییر کرده است و زنان می‌توانند در کنار مناصب شماسی و کشیشی و مشارکت در فعالیت‌های عمومی، منصب رهبری یک کلیسا را نیز کسب کنند (همان، ص ۱۲۰۹).

از نظر طیف سنی نیز همه سنین می‌توانند مخاطب پیام پنطیکاستی باشند؛ لیکن از این میان، کودکان، نوجوانان و به‌ویژه جوانان، جزء مخاطبان اصلی جنبش قلمداد می‌شوند. پنطیکاستی‌ها با شناسایی ظرفیت‌ها، علایق و نیازهای روحی و عاطفی جوانان و نوجوانان، آنان را به سوی خود جذب کرده، در مجامع کلیسایی وارد می‌کنند (اندرسون، ۲۰۰۰؛ پاریستو، ۲۰۱۰).

۲.۳.۲. از لحاظ نژاد و ملیت

پنطیکاستی‌ها معتقدند به‌واسطه خونی که از مسیح ریخته شد، رنگ پوست در خون آمیخته شد و لذا همه نژادها می‌توانند مخاطب پیام جنبش باشند (تاگر، ۲۰۱۱، ص ۳۲؛ هورن، ۲۰۰۸؛ دیلگر، ۲۰۱۳). از این‌رو از همان ابتدای جنبش، این کلیسا با نژادپرستی به مبارزه می‌پرداخت؛ چراکه *ویلیام سیمور*، یکی از رهبران اصلی جنبش، فردی آفریقایی - آمریکایی تبار بوده است (اندرسون، ۲۰۰۰؛ جالمبی ۲۰۰۷، ص ۳۱). توجه به نژادهای مختلف عاملی شد

تا سیاه و سفید در کنار یکدیگر و بدون هیچ تفاوتی به عبادت پردازند. توجه به این نکته سبب رشد جنبش در سال‌های نخستین آن شد (همان، ص ۹۸). امروزه استفاده از رهبران بومی یکی از شاخصه‌های اصلی جنبش و عامل تمایز میان پنطیکاستی‌ها و سایر فرقه‌های مسیحی محسوب می‌شود (برگس، ۲۰۰۶، ص ۱۴۲).

از لحاظ ملیت نیز - همان‌گونه که باور پنطیکاستی‌هاست - همهٔ افراد از هر ملیتی توانایی دریافت روح‌القدس را دارند؛ از این‌رو امروزه این جنبش تقریباً در هر کشوری یافت می‌شود؛ لیکن تمرکز اصلی بر روی مردم کشورهای جهان سوم و کشورهای توسعه‌نیافته بوده است (پارسیتاو، ۲۰۱۰). البته این نکته در اینجا قابل ذکر است که بر مبنای آنچه پنطیکاستی‌ها گفته‌اند، قرن گذشته قرن قارهٔ آفریقا بوده و بیشترین فعالیت‌های مسیونرهای پنطیکاستی، در کشورهای آفریقایی جریان داشته است و قرن حاضر مربوط به قارهٔ آسیاست. طبق این نکته، منافاتی ندارد که پنطیکاستی‌ها از همان ابتدای جنبش، به اقصی نقاط دنیا رفته باشند؛ لیکن تمرکز اصلی بر قارهٔ آفریقا بوده است. در قرن جدید نیز بیشتر به سراغ کشورهای نیمکرهٔ جنوبی و به‌ویژه کشورهای قارهٔ آسیا آمده‌اند (برگس، ۲۰۰۶، ص ۲).

۲.۳.۳. از لحاظ میزان دینداری

اگر ادیان را در یک دسته‌بندی، به الهی و غیرالهی تقسیم کنیم، پنطیکاستی‌ها، هم به سراغ پیروان ادیان الهی رفته‌اند و هم پیروان ادیان غیرالهی. در میان ادیان الهی نیز مخاطبان پنطیکاستی‌ها عموماً از میان پیروان سه دین اسلام، یهودیت و مسیحیت بوده‌اند. درست است که پنطیکاستی‌ها خود از مسیحیان محسوب می‌شوند، ولی از تبلیغ در میان سایر فرقه‌های مسیحی یا مسلمان نیز خودداری نکرده‌اند. بیشتر مسلمانان و مسیحیانی که به پنطیکاستی‌ها ملحق شده‌اند، کسانی بوده‌اند که به‌ظاهر مسیحی یا مسلمان بوده و پایبندی محکمی به آداب و احکام دین مبدأ خود نداشته‌اند؛ از این‌رو، پنطیکاستی‌ها به سراغ کسانی رفته‌اند که مسیحی یا مسلمان اسمی بوده‌اند، نه حقیقی. پنطیکاستی‌ها با نقد آموزه‌های دین مبدأ و بیان زیبایی‌های آموزه‌های پنطیکاستی، افراد سست‌ایمان را به‌سوی خود می‌کشند و پنطیکاستی می‌کنند (اسمیت، ۱۹۹۸، ص ۲).

در میان یهودیان نیز با توجه به اشتراکاتی که میان پنطیکاستی‌ها و یهودیان وجود داشت، همانند اشتراک در عهد عتیق، برخی معتقد بودند که مسیحی‌سازی باید نخست از میان یهودیان آغاز شود (ر.ک: رومیان ۱: ۱۶)؛ از این‌رو پنطیکاستی‌ها به جذب یهودیان نیز پرداختند. شاهد بر این مسئله نیز وجود فرقه‌های پنطیکاستی صهیونیست است که هم مسیحیان و هم یهودیان در آن عضوند (برگس، ۲۰۰۶، ص ۲۷۱).

از میان متدینان به ادیان غیرالهی، پیروان آن دسته از ادیانی که به امور معنوی و عرفانی توجه ویژه‌ای دارند، به‌واسطهٔ آشنا شدن با آموزه‌های پنطیکاستی‌ها و بالاخص عطایای شفابخش و معجزه‌آسا، به پنطیکاستی‌ها روی آوردند. شاهد این مسئله نیز وجود پیروان متعدد پنطیکاستی در کشورهای همچون هند و کرهٔ جنوبی است (همان، ص ۲۴۹، ۲۷۶).

بنابراین می‌توان این برداشت را نیز مطرح کرد که حتی آن دسته از افرادی که به هیچ دینی معتقد نیستند، لیکن به امور غیرعادی همانند جن‌گیری، شفادرمانی، هیپنوتیزم و... معتقدند، می‌توانند از علاقه‌مندان به این جنبش محسوب شوند.

۲.۳.۴. از لحاظ شرایط اقتصادی

اگر بخواهیم از لحاظ شرایط اقتصادی، مردم را به سه قشر فقیر، متوسط و مرفه دسته‌بندی کنیم، باید گفت که پنتیکاستی‌ها به سراغ هر سه گروه رفته‌اند (تاکر، ۲۰۱۱، ص ۴۲). از آنجایی که رهبران اولیه پنتیکاستی، خود از طبقات پایین جامعه بودند، تمرکزشان را بر روی افرادی قرار دادند که وضعیت اقتصادی و اجتماعی‌شان در سطح نازلی قرار داشت (برگس، ۲۰۰۶، ص ۱۴۲). از این‌رو امروزه اکثریت پنتیکاستی‌ها کسانی هستند که در حاشیه شهرهای صنعتی و روستاها زندگی می‌کنند و غالباً فقیر، بی‌خانمان، بیکار و بدهکارند یا مهارتی در شغلی ندارند (پارسیتاو، ۲۰۱۰؛ میلر، ۲۰۰۷؛ مک کلانگ، ۱۹۸۸)؛ افرادی که از شرایط موجود ناراضی‌اند، لیکن اقدامی برای تغییر آن نمی‌توانند انجام دهند (برگس، ۲۰۰۶، ص ۴۴۴). در نتیجه، از آن‌روی که چنین افرادی دارای مشکلات اقتصادی - معیشتی و روحی - روانی بسیاری‌اند، به سراغ پنتیکاستی‌ها می‌آیند تا هم به واسطه معنویت پنتیکاستی‌ها دردهای روحی خود را تسکین دهند و هم با مشارکت در خدمات اقتصادی - رفاهی که پنتیکاستی‌ها عهده‌دار آن‌اند، از شرایط بد اقتصادی فاصله بگیرند.

این رویه‌ای که پنتیکاستی‌ها در پیش گرفتند، با آنچه که در کتاب مقدس آمده بود، همخوانی دارد. همان‌گونه که در انجیل لوقا ۴: ۱۸ آمده است، مسیح در موعظه‌ای که برای مردم داشت، درباره سرنوشت فقرا بیاناتی ایراد فرمود. پس از مسیح نیز شاگردان اولیه او انجام خدمات اجتماعی را به‌عنوان یکی از جنبه‌های ضروری زندگی کلیسایی ادامه دادند. بدین صورت که اعضا دارایی‌های خود را می‌فروختند و با فقرا به اشتراک می‌گذاشتند تا سطحی از برابری در کلیسا به‌وجود آید. در بند ششم از کتاب اعمال رسولان آمده است که حواریون، شماسانی را مسئول انجام خدمات رفاهی در کلیسا قرار دادند که از آن با عنوان کشیشی برای فقرا یاد می‌شود. بر همین اساس امروزه شماسی با انجام خدمات اجتماعی شروع می‌شود و کلیساها به‌عنوان سازمان‌های خیریه عهده‌دار افراد فقیرند. از این‌رو، می‌توان نتیجه گرفت که تبلیغ مسیحیت و نگرانی‌های اجتماعی، با یکدیگر در ارتباط هستند (همان، ص ۱۱۹-۱۲۰).

وقتی وضعیت اجتماعی پنتیکاستی‌ها پیشرفت کرد، با هدف لایه‌روبی کردن جامعه، به سراغ طبقه متوسط و کارگر شهرنشین نیز رفتند. برخی از مرفهان نیز وقتی پیام معنویت پنتیکاستی را شنیدند، با شور و شوق به آن پیوستند و با تمام وجود به حمایت از آن پرداختند. شاهد بر این مسئله، مراکز خیریه و یتیم‌خانه‌هایی است که هر چند در قلب آفریقا و کشورهای توسعه‌نیافته وجود دارند، لیکن از سوی برخی افراد ثروتمند غربی و آمریکایی حمایت مالی می‌شوند (میلر ۲۰۰۷، ص ۷۰؛ دیگلر، ۲۰۰۹).

۲.۳.۵. از لحاظ سطح علمی

در سال‌های اولیه جنبش، اقبال افراد بی‌سواد و کم‌سواد به پنطیکاستی‌ها، بیش از افراد باسواد بوده است. شاهد بر این نکته انتقاداتی است که از سوی دیگر فرق مسیحی، در سال‌های اولیه جنبش، بر پنطیکاستی‌ها وارد می‌شد؛ چراکه پنطیکاستی‌های نخستین و حتی برخی از بزرگان این جنبش، از سطح علمی بالایی برخوردار نبوده‌اند (برگس، ۲۰۰۶، ص ۳۶). از این رو، هنوز هم افراد کم‌سواد و بی‌سواد بیشترین پیروان این جنبش‌اند (پاراسیتاو، ۲۰۱۰). به مرور زمان و با تغییر رویکرد پنطیکاستی‌ها و گرایش به جذب جوانان و جوان محوری، پنطیکاستی‌ها به سراغ جوانان تحصیل کرده شهری رفتند؛ جوانان تحصیل کرده‌ای که نیازهای معنوی و غیرمعنوی متعددی دارند. حضور در مدارس، دانشکده‌ها و دانشگاه‌ها و تبلیغ معنویت پنطیکاستی برای آن دسته از افراد تحصیل کرده‌ای که میزان تقدیر آنان به دین کم است یا اساساً غیرمتدین محسوب می‌شوند، سبب جذب این‌گونه افراد به سوی جنبش شد (همان).

از سوی دیگر، پس از سپری شدن دوران بی‌مهری و طرد پنطیکاستی‌ها از مجامع دانشگاهی، حضور پنطیکاستی‌هایی که دارای تخصص در رشته‌های مختلفی هستند، جهت تدریس و حضور در فضاهای دانشگاهی، عاملی دیگر در جذب افراد تحصیل کرده به جنبش بوده است (برگس، ۲۰۰۶، ص ۳۷).

گروه سومی از افراد تحصیل کرده که جذب جنبش شده‌اند، جوانان نخبه‌ای هستند که از دانشگاه‌ها فارغ‌التحصیل شده، ولی بیکارند. پنطیکاستی‌ها با ایجاد فرصت‌های شغلی برای آنان این‌گونه افراد را جذب می‌کنند و در برخی موارد، پس از سپری کردن آموزش‌های لازم، از آنها جهت مسیونری و حتی رهبری کلیساها استفاده می‌کنند (وایت، ۲۰۱۵). شاهد بر این مسئله، کلیساهایی است که امروزه توسط دختران و پسران جوان بنا و اداره می‌شود (پاراسیتاو، ۲۰۱۰).

۲.۳.۶. از لحاظ میزان سلامت جسمی و روحی - روانی

بر اساس میزان سلامت جسمی و روحی - روانی افراد، پنطیکاستی‌ها به سراغ سه دسته از افراد رفته‌اند:

الف) افرادی که از سلامت کامل جسمی برخوردار نیستند؛ مبتلایان به بیماری‌های صعب‌العلاج؛ و معلولان جسمی - حرکتی: پنطیکاستی‌ها با حضور در بیمارستان‌ها و کلینیک‌ها برای مراقبت و سرپرستی بیماران، به‌ویژه آنهایی که دارای بیماری‌های صعب‌العلاج‌اند، سعی می‌کنند که با ارائه خدمات پزشکی به این دسته از افراد از درد و رنج آنها بکاهند و به منظور تقویت روحیه آنها، با عرضه ایمان به روح القدس، از آنان بخواهند تا با امید به دریافت عطایای شفابخش، با بیماری خود مبارزه کنند و به سلامتی کامل خود خوش بین باشند (میلر، ۲۰۰۷، ص ۴۲؛ واکر، ۲۰۱۰، ص ۱۲۰؛ لوگو، ۲۰۰۶، ص ۵۴).

در مناطق آفریقایی و کشورهای جهان سوم، به علت وجود بیماری‌هایی همانند ایدز، سل و مالاریا، و با توجه به اینکه در این مناطق نیاز به مراقبت‌های درمانی و مشاوره‌های روحی بیش از دیگر نقاط است، پنطیکاستی‌ها حضور فعال تری دارند (واکر، ۲۰۱۰، ص ۱۲۱؛ لند، ۲۰۱۳، ص ۱۲۳).

ب) افرادی که دچار ناهنجاری‌های اجتماعی شده‌اند: این دسته از افراد شامل گروه‌های مختلفی می‌شوند، که به تفصیل خصوصیات آنها ذکر می‌شود:

◀ بزهداران؛ این دسته از افراد شامل معتادان می‌شود؛ چه آنهایی که به مشروبات الکلی اعتیاد دارند و چه آنهایی که گرفتار مواد مخدر و حتی سیگار شده‌اند. پنطیکاستی‌ها سعی می‌کنند با معاشرت با این افراد و برشمردن مزایای معنویت پنطیکاستی، آنان را به ترک اعتیاد تشویق و به سوی خود جذب کنند (میلر، ۲۰۰۷، ص ۸۴؛ برگس، ۲۰۰۶، ص ۴۴۵؛ واریش اوبلا، ۲۰۰۹).

◀ زندانیان؛ افرادی که به دلایل مختلف در زندان‌ها افتاده‌اند. پنطیکاستی‌ها با حضور در زندان‌ها، در قالب مشاوره به دنبال آرامش روحی و روانی چنین افرادی هستند (برگس، ۲۰۰۶، ص ۱۳۷).

◀ قربانیان خشونت‌های جنسی؛ چه آنهایی که از سوی محارم خود مورد تجاوز واقع شده‌اند و چه آنهایی که به صورت وحشیانه توسط فردی هتک حرمت شده‌اند (میلر، ۲۰۰۷، ص ۷۰؛ تاگر، ۲۰۱۱، ص ۴۰).

◀ قربانی خشونت‌های روحی؛ افرادی که از سوی والدین خود مورد ضرب و شتم قرار می‌گیرند (میلر، ۲۰۰۷، ص ۸۴).

◀ دخترانی که به واسطه شرایط بد اقتصادی خانواده‌شان، به فروش رفته‌اند و در خانه‌های فساد، سالن‌های رقص، رستوران‌ها و... مشغول به کارند یا تن به فحشا می‌دهند (برگس، ۲۰۰۶، ص ۴۴۵).

◀ قربانیان نژادپرستی؛ افرادی از نژادهای مختلف غیر سفیدپوست، که در کشورهای اروپایی و آمریکایی مورد تجاوز و هتک حرمت نژادپرستان واقع می‌شوند (همان، ص ۱۴).

◀ پسران و دخترانی که به دلایل مختلف از خانه خود فرار کرده‌اند و به امید دستیابی به زندگی بهتر، در شهرها و در کشورهای مختلف، در پناهگاه‌ها حیران و سرگردان‌اند (میلر، ۲۰۰۷، ص ۷۰؛ تاگر، ۲۰۱۱، ص ۴۳).

◀ دختران جوانی که هنوز به سن ازدواج نرسیده و در اثر رابطه‌ای خواسته یا ناخواسته باردار شده و از لحاظ روحی آسیب دیده‌اند و در برخی موارد از سوی خانواده‌های خود طرد می‌شوند (همان، ص ۴۰).

ج) افرادی که دارای مشکلات روحی و عاطفی‌اند: این گروه نیز شامل دسته‌ای از افرادی است که مورد توجه پنطیکاستی‌ها واقع شده‌اند؛ افرادی همانند (میلر، ۲۰۰۷، ص ۷۹، ۸۶، ۹۷؛ تاگر، ۲۰۱۱، ص ۴۱؛ برگس، ۲۰۰۶، ص ۴۴۵).

- ✓ آنان که عزیزی را از دست داده‌اند؛ کسانی که یکی از اطرافیان نزدیک یا دوستان صمیمی خود را از دست داده‌اند.
 - ✓ زوج‌هایی که به دلایل مختلف در زندگی زناشویی خود با شکست مواجه شده و از یکدیگر طلاق گرفته‌اند.
 - ✓ فرزندان طلاق؛ جوانان، نوجوانان و کودکانی که به علت متارکه پدر و مادر دچار مشکلات عاطفی و روحی شده‌اند.
 - ✓ افرادی که فاقد اعتماد به نفس‌اند و توانایی تصمیم‌گیری در مسائل مهم زندگی خود را ندارند.
 - ✓ فرزندی که دارای پدر و مادری شاغل هستند و چون والدینشان دائماً درگیر کارند، توجه کافی به فرزندان ندارند و فقدان محبت از سوی والدین آنها را آزار می‌دهد.
 - ✓ افرادی که به دلایل مختلف دچار بیماری‌های روحی و روانی همانند افسردگی شده‌اند.
 - ✓ خانواده‌هایی که در آن والدین همیشه با یکدیگر درگیری دارند.
 - ✓ افرادی که به علت شرایط خاص روحی‌شان نمی‌توانند هرگز با کسی معاشرت داشته باشند و غالباً خصومت‌های فراوانی با دیگران دارند.
 - ✓ زنانی که به علت از دست دادن شوهرانشان بیوه شده و دچار خلأ عاطفی گشته‌اند.
 - ✓ کودکانی که از نعمت داشتن پدر و مادر محرومند؛ همانند کودکان سرراهی، که غالباً در یتیم‌خانه‌ها نگهداری می‌شوند.
 - ✓ کودکانی که تنها فرزند خانواده‌اند و برادر یا خواهری ندارند.
 - ✓ افرادی که پس از مهاجرت و ترک وطن توانایی بازگشت به وطن را ندارند.
 - ✓ والدینی که به‌واسطه داشتن فرزندی هنجارشکن، دچار مشکلات روحی شده‌اند.
- در نتیجه، یکی از نقدهای جدی که بر پنطیکاستی‌ها وارد می‌شود، این است که مخاطبان آنان عموماً از اقلشار آسیب‌پذیر و محروم جوامع، و به‌اصطلاح افراد مستضعف هستند که در کشورهای جهان سوم زندگی می‌کنند (اعم از مستضعف علمی، مذهبی، اقتصادی، جسمی و روانی). از این رو، پنطیکاستی‌ها هیچ‌گاه حاضر نشدند تا به سراغ متدینان راسخ بروند و آنها را به آیین پنطیکاستی بکشانند.

۲.۴. تحلیلی بر نقش زنان در جنبش پنطیکاستی

پنطیکاستی‌ها و کاریزماتیک‌ها معتقدند بر مبنای آزادی‌ای که روح القدس به این جنبش عطا کرده است، زنان می‌توانند همانند مردان در اجتماعات کلیسایی شماسی کنند؛ تعلیم دهند و حتی رهبری یک کلیسا را برعهده بگیرند (دیویس، ۲۰۱۳). آنها مجوز این امر را از کتاب مقدس اخذ کرده‌اند. در کتاب اعمال رسولان ۲: ۱۶-۱۸ آمده است: «آنچه امروز صبح شاهد آن هستید، یوئیل نبی قرن‌ها قبل پیشگویی کرده بود. خدا از زبان او فرمود: "در روزهای

آخر، تمام مردم را از روح خود پر خواهیم ساخت تا پسران و دختران شما نبوت کنند و جوانان شما رؤیایها و پیران شما خوابها ببینند. بله، تمام خدمتگزارانم را، چه مرد و چه زن، از روح خود پر خواهیم کرد، و ایشان نبوت نموده، از جانب من سخن خواهند گفت».

پنطیکاستی‌ها گمان می‌کنند هنگامی که متن از تعبیر «دختران و خدمتگزاران» استفاده می‌کند، توجیهی است برای آنکه زنان می‌توانند به‌عنوان شماس، ارشد کلیسا و... منصوب شوند؛ درحالی که در طول عصر عهد جدید که عطایای معنوی به کار گرفته می‌شد، زنان در هیچ اجتماعی به‌عنوان شماس یا واعظ موقعیتی نداشتند. به‌علاوه در هیچ جای عهد جدید نیز این مسئله ذکر نشده است؛ بلکه در واقع عکس قضیه صادق است؛ زیرا همان‌گونه که در اول تیموتائوس ۲: ۱۱-۱۶ آمده است:

زنان باید در سکوت و با اطاعت کامل به فراگیری مسائل روحانی بپردازند. اجازه نمی‌دهم زنان به مردان چیزی یاد دهند و یا بر آنان مسلط شوند. زنان باید در جلسات کلیسایی ساکت باشند. علت این امر آن است که خدا نخست «آدم» را آفرید و بعد «حوا» را؛ و این آدم نبود که فریب شیطان را خورد، بلکه حوا فریب خورد و گناه کرد. از این جهت، خدا زنان را به درد زایمان دچار ساخت؛ اما اگر به او ایمان آورند و زندگی آرام و با محبت و پاکی را در پیش گیرند، روح ایشان را نجات خواهد داد.

علاوه بر این، در اول قرنتیان ۱۴: ۳۴ آمده است: «به زنانتان بگویید که در کلیسا ساکت باشند؛ به خاطر این است که به آنها اجازه داده نشده که صحبت کنند؛ بلکه به آنان دستور داده شده تا تحت فرمان باشند؛ همان‌طور که در کتاب تورات فرموده بود».

برخی از پنطیکاستی‌ها برای آنکه از این پیام صریح کتاب مقدس شانه خالی کنند، عنوان می‌کنند که این پیام در واقع صرفاً برای مردم قرتی بوده است و چون پولس در آن زمان درگیر مسائل فرهنگی مرتبط با قرتیان بود، از این رو نمی‌توان آنرا به امروز پیوند زد؛ و در واقع به‌نوعی مرجعیت پولس را در این زمینه زیر سؤال می‌برند؛ لیکن پولس در اول قرنتیان ۱۴: ۳۷ پاسخ این اتهامات را از قبل داده است: «اگر ادعا می‌کنید که عطای نبوت یا سایر عطایای روح‌القدس را دارید، پس اولین کسانی باشید که دریابید آنچه که می‌گویم، احکام خود خداوند است».

درست است که پولس مشکلات زیادی با قرتیان شهوتران داشت و آنها مرجعیت او را قبول نمی‌کردند و از این رو با تندى صحبت کردن با آنها بجا و شایسته بود، ولی پنطیکاستی‌ها نیز ظاهراً چنین مشکلی با او دارند و مرجعیت او را زیر سؤال می‌برند. از این رو به‌سادگی اوامر او را دربارهٔ زنان نادیده می‌گیرند!! (همان).

با وجود تمام این نواهی که در کتاب مقدس دربارهٔ زنان مشاهده می‌شود، این زنان بودند که طلایه‌داران جنبش تکلم به زبان‌ها بودند؛ زیرا از نظر پنطیکاستی‌ها، اگس آژمن اولین کسی بود که تکلم به زبان‌ها داشت. از این رو، اگر زنان را از این جنبش حذف کنیم، پایه و اساس تاریخی آن زیر سؤال خواهد رفت (دبلیو کلود، ۲۰۱۲b، ص ۳۵).

البته در کتاب مقدس به زنان اجازه داده شده است تا زنان دیگر (تیتوس ۲: ۳-۴)، و همچنین کودکان (دوم تیموتائوس ۱: ۵ و ۳: ۱۵) را تعلیم دهند؛ لیکن از اینکه بر مردان غلبه یابند یا به تعلیم آنان پردازند، منع شده‌اند (اول تیموتائوس ۲: ۱۲).

۲.۵. آزادی در دریافت عطایا، آموزه‌های کتاب مقدسی؛ آری یا نه؟

پنطیکاستی‌ها بر این باورند که هر کسی قادر است به‌صرف ایمان به روح القدس، از روح القدس پر شود و عطایا را، که از آنها با عنوان نشانه‌ها و شگفتی‌ها (Signs and Wonders) یاد می‌شود، دریافت کند. امروزه استفاده از عطایای روح القدس، به‌ویژه عطیۀ تکلم به زبان‌ها و عطیۀ شفا، از مهم‌ترین راهکارهای پنطیکاستی‌ها در تبشیر محسوب می‌شود. برای مثال، لیوینگ استون، محقق پنطیکاستی در این باره می‌گوید: «جنبش پنطیکاستی دنیای اسلام را خواهد شکافت، مگر از طریق نشانه‌ها و شگفتی‌ها» (لیوینگستون، ۱۹۹۳، ص ۲۶). سؤال مهمی که در اینجا مطرح می‌شود، این است که آیا کتاب مقدس نیز این نکته را تأیید می‌کند؟ آیا شاهی بر استفاده از این عطیه در سراسر تاریخ کلیسا، پس از عصر رسولان، وجود دارد؟ در این قسمت به این سؤالات پاسخ خواهیم داد.

اگر به تاریخ کلیسای اولیه مراجعه کنیم، درمی‌یابیم که پس از سال هفتاد میلادی، دیگر اثری از این عطایا مشاهده نمی‌شود. وقتی آخرین حواری قلم خود را روی زمین گذاشت، عهد جدید کامل شد و الهام به پایان رسید. از این رو، تمام آنچه که بشر نیاز داشت، تدوین شد. عهد جدید متمدن عهد عتیق قرار گرفت و در نتیجه کتاب مقدس تکمیل شد. با توجه به این نکته، دیگر نیازی به الهام شفاهی و زبانی نخواهد بود (اچ پل، ۲۰۰۱، ص ۷۴).

از سوی دیگر، همان‌گونه که در اول قرن‌های ۱۳: ۸-۱۰ آمده است، «زمانی که از هر جهت کامل شدیم، دیگر نیازی به عطایا نخواهد بود». از این رو پس از نوشته شدن ۲۷ کتاب عهد جدید، دیگر همه چیز کامل شد. بنابراین، ظهور عطایا متوقف شد. با توجه به این نکات، اصرار پنطیکاستی‌ها بر ظهور مجدد عطایا، با مبانی کتاب مقدسی تناقض دارد (دبلیو کلود، ۲۰۱۲b، ص ۲۳؛ همو، ۲۰۱۲a، ص ۱۳۴).

نتیجه‌گیری

پنطیکاستی‌ها بر این باورند که آموزۀ آزادی در روح القدس، به مؤمن پنطیکاستی در انتخاب استراتژی‌های تبشیری، نحوه انجام عبادت، امر کشیشی و میسیونری، برداشته شدن فاصله‌ها و دریافت عطایای روحانی، آزادی و اختیار تام اعطا می‌کند و همین مسئله موجب افزایش تعداد ایمان‌داران پنطیکاستی در اقصی نقاط عالم شده است. لیکن این آموزه با اشکالاتی روبه‌روست:

۱. اقدام پنطیکاستی‌ها در جذب مسیحیان سست‌ایمان دیگر فرقه‌ها و اعتراض شخصیتی همچون پاپ ژان پل دوم در کنار استفاده از رویکردهای تهاجمی، خصمانه و مظلوم‌نمایانه در مقابل ادیانی همچون اسلام، قابل انعطاف بودن استراتژی‌های تبشیری آنها را زیر سؤال می‌برد.

۲. با توجه به تعالیم صریح کتاب مقدس درباره نحوه برگزاری جلسات عبادی، به‌کارگیری روش‌های ابداعی از سوی پنطیکاستی‌ها در جلسات عبادی، و استفاده از موسیقی‌های شهنوائی، به آموزه آزادی در نحوه پرستش و عبادت نیز خدشه وارد می‌کند.
 ۳. اگر آزادی در روح‌القدس به این معناست که همه اقشار جامعه، از هر طبقه و نژاد، با هر سطح علمی، مذهبی و اقتصادی، و با هر میزان سلامت جسمی و روحی، می‌توانند جزء ایمان‌داران پنطیکاستی محسوب شوند، لیکن رویه تبشیری پنطیکاستی‌ها از نکته دیگری حکایت می‌کند؛ چراکه آمار حکایت از آن دارد که میسیونرهای پنطیکاستی بیشتر به سراغ مستضعفان جوامع رفته‌اند، نه افرادی که از لحاظ میزان تدین، علمیت، سلامت جسم و روح و وضعیت معیشت، در سطح خوبی بوده‌اند.
 ۴. اصالت جنبش پنطیکاستی، بنا بر تعالیم صریح کتاب مقدس درباره چگونگی حضور زنان در اجتماعات و مسئله رهبری و کشیشی زنان، زیر سؤال می‌رود؛ زیرا پنطیکاستی‌ها معتقدند که شروع این جنبش به‌واسطه عطیه‌ای بود که از یک زن آشکار شد.
 ۵. به گواهی تاریخ کلیسا و تصریح کتاب مقدس، پس از اتمام کتاب مقدس، دیگر نیازی به عطایا نیست. از این‌رو پس از عصر رسولان، دیگر عطیه‌ای آشکار نشد و همین امر می‌تواند گواهی بر رد ادعای پنطیکاستی‌ها مبنی بر بازگشت مجدد دوران عطایا باشد؛ زیرا با متن مقدس در تناقض است.
- نکات فوق ما را به این جمع‌بندی می‌رساند که آموزه آزادی در روح‌القدس، از ابداعات پنطیکاستی‌هاست که هرگاه خواسته‌اند، در جهت پیشبرد اهداف تبشیری‌شان از آن استفاده‌ی ابزاری کرده و تعدادی از افراد مستضعف را به آیین خود کشانده‌اند.

- Alexander, Paul, 2009, *Signs and Wonders: Why Pentecostalism Is the World's Fastest Growing Faith*, John Wiley & Sons.
- Anderson, Allan, 2000, *Evangelism and the Growth of Pentecostalism in Africa*, Centre for Missiology and World Christianity, University of Birmingham.
- , 2005a, *The Origins of Pentecostalism and Its Global Spread in the Early Twentieth Century*, Transformation: 175-85.
- , 2004, "Structures and Patterns in Pentecostal Mission." *Missionalia: Southern African Journal of Mission Studies* 32, No. 2: 233-249.
- , 2005b, "Towards a Pentecostal Missiology for the Majority World." *Asian Journal of Pentecostal Studies* 8, No. 1: 29-47.
- Blake, Jonathan S, 2014, "Stability in Sacred Competition? Pentecostals in the Global Religious Marketplace".
- Burgess, Stanley M, 2006, *Encyclopedia of Pentecostal and Charismatic Christianity*. Routledge.
- Burgess, S. M. (Ed.), 2002, *The new international dictionary of Pentecostal and charismatic movements*, Zondervan Publishing House.
- Davis, William, 2013, Why I am no longer a Pentecostal 2, *Seek Old Path*, Vol. 24, No. 7, July: 49-56
- Derrick Mashau, T, 2013, "Ministering Effectively in the Context of Pentecostalism in Africa: A Reformed Missional Reflection." *In die Skriflig* 47, No. 1: 10-17.
- Dilger, Hansjörg, 2009, "Doing Better? Religion, the Virtue-Ethics of Development, and the Fragmentation of Health Politics in Tanzania." *Africa Today* 56, No. 1: 89-110.
- Gifford, Paul, 1992, "New Dimensions in African Christianity".
- H. Pohl, Alfred, 2001, *17 Reasons Why I Left The Tongues Movement*, Canada: Bethel Baptist Print Ministry.
- Hackett, Conrad, Brian Grim, Marcin Stonawski, Vegard Skirbekk, and Michaela Potančoková, 2012, "The Global Religious Landscape." Paper presented at the Pew Research Center's Forum on *Religion & Public Life*. Washington DC.
- Hjalmeby, Erik J, 2007, "A Rhetorical History of Race Relations in the Early Pentecostal Movement, 1906-1916".
- Horn, Nico, 2008, "Religion and Human Rights in Namibia." *African Human Rights Law Journal* 8, No. 2: 409-31.
- Kärkkäinen, Veli-Matti, 2004, "Pentecostal Theology of Mission in the Making." *Journal of Beliefs & Values* 25, No. 2: 167-76.
- Lende, Gina, 2013, *The rise of Pentecostal power Exploring the politics of Pentecostal growth in Nigeria and Guatemala*, (PHD), MF Norwegian School of Theology.

- Liardon, Roberts, 2006, *The Azusa Street Revival: When the Fire Fell-an in-Depth Look at the People, Teachings, and Lessons*. Destiny Image Publishers.
- Livingstone, Greg, 1993, *Planting Churches in Muslim Cities: A Team Approach*. Baker Academic.
- Lugo, Luis, Sandra Stencel, John Green, Timothy S Shah, Brian J Grim, Gregory Smith, Robert Ruby, et al, 2006, "Spirit and Power: A 10-Country Survey of Pentecostals." Paper presented at the *Pew Forum on Religion and Public Life*.
- Ma, Wonsuk, 2007, "When the Poor Are Fired Up': The Role of Pneumatology in Pentecostal-Charismatic Mission." *Transformation* 24, No. 1: 28-34.
- McClung, L Grant, 1988, "Theology and Strategy of Pentecostal Missions." *International Bulletin of Missionary Research* 12, No. 1: 2-6.
- Miller, Donald E, and Tetsunao Yamamori, 2007, *Global Pentecostalism: The New Face of Christian Social Engagement*. Univ of California Press.
- Parsitau, Damaris Seleina, and Philomena Njeri Mwaura, 2010, "God in the City: Pentecostalism as an Urban Phenomenon in Kenya."
- Rausch, Thomas P, 2010, "Catholics and Pentecostals: Troubled History, New Initiatives." *Theological Studies* 71, No. 4: 926-50.
- Smith, Brian H, 1998, *Religious Politics in Latin America*, Pentecostal Vs. Catholic. Notre Dame UP.
- Tucker, Stacey U, 2011, "Unto the Least of These: The Pentecostal Church and Social Ministry".
- W. Cloud, David, 2012a, *Charismatic Confusion* , Canada: Bethel Baptist Print Ministry.
- _____ , 2012b, *Tongues Speaking*, Canada: Bethel Baptist Print Ministry.
- _____ , 2014, *End-Time Confusion: The International House of Prayer*, Canada: Bethel Baptist Print Ministry.
- _____ , 2015, *Directory of Contemporary Worship Musicians*, Canada: Bethel Baptist Print Ministry.
- _____ , 2016, *What Every Christian Should Know about Rock Music*, Canada: Bethel Baptist Print Ministry.
- _____ , 2011, *The Transformational Power of Contemporary Praise Music Canada: Bethel Baptist Print Ministry*.
- Währisch-Oblau, 2009, *Claudia. The Missionary Self-Perception of Pentecostal/Charismatic Church Leaders from the Global South in Europe: Bringing Back the Gospel*. Brill.
- Walker, Daniel Okyere, 2010, "The Pentecost Fire Is Burning: Models of Mission Activities in the Church of Pentecost." University of Birmingham, 2010.
- White, Peter, 2015, "A Missional Study of Ghanaian Pentecostal Churches' Leadership and Leadership Formation." *HTS Theological Studies* 71, No. 3: 01-08.